

به جای تلفن بازی کتاب بخوانید!

آفتاب یزد: عصر روز جمعه یکم شهریور در ذهن و یاد تمام کسانی که گذرشان به خیابان اندرزگو رسیده است خواهد ماند؛ عصری که به مناسبت راهاندازی یک کافه کتاب، ترافیک این خیابان بند نمی‌آمد همه با سبد و دسته‌های گل آمده بودند تا تولد «کافه کتاب کرین» را در منطقه‌ای از تهران جشن بگیرند، منطقه‌ای که پس از چندین دهه شاهد راهاندازی یک کافه کتاب بزرگ و مدرن است و تا پیش از این ساکنان این منطقه چنین ترافیکی را تنها به واسطه افتتاح فروشگاه‌های برندهای مصرفی و کالاهای لوکس به یاد دارند. کافه



کتاب کرین با مترسز ۴۰۰ متر و ۲۰ هزار عنوان کتاب و نوشت‌افزار قرار است پاسخگوی نیاز ساکنان منطقه قیطریه تهران باشد و فعالیت‌اش تنها معطوف به کتابفروشی نباشد و با برگزاری برنامه‌های متعدد و متنوع فرهنگی، هوای تازه‌ای در این منطقه به‌وجودیاورد.

در بخشی از این مراسم، سعید پورصمیمی بازیگر پیشکسوت تئاتر

و سینما هم که از میهمانان ویژه این مراسم بود، برای حاضران فال

حافظ گرفت و گفت: امروز خوشحالم که به مناسبت راهاندازی یک

گزارشی درباره اظهارات حسین پارسایی پیرامون دستمزد بازیگران در هنر نمایش

روی دوش مردم!



«بی شک همه هنرمندان به این‌ موضوع واقفند که رسالت یک هنرمند تنها تولید یک اثر هنری نیست بلکه رسالتی فراتر در راه اعتلای زندگی فردی و اجتماعی مردم دارد؛ رسالتی که گویا توسط برخی از هنرمندان ندیده گرفته می‌شود تا آنها بتوانند مشکلات حوزه کاری خود را راحت تر تحمل کنند

چند گاهی مدیر اداره هنرهای نمایشی عوض شود و شخص دیگری بر مسند این اداره تکیه زند و از این رهگذر هنرمندان عرصه هنرهای نمایشی مدتی دل خوش به این کنند که آمدن مدیر جدید ممکن است تئاتر را دستخوش تغییراتی کند که این حوزه را امواج سه‌مگنیی که گرفتار آن است رهایی یافته و مسیر رسیدن به ساحل امن آرامش را در پیش گیرد اما پس از مدتی یا مدیر تازه کار همان سبک و سیاق مدیر قبلی را در پیش گرفته و کاری با مشکلات و مسائل عمده هنرمندان عرصه هنرهای نمایشی ندارد و یا مدت زیادی طول نمی‌کشد که او هم از کار برکنار شده و فرد دیگری برای سکانداری این اداره انتخاب می‌شود و دوباره روز از نو و روزی از نو، از این رهگذر آنچه برای فعالان هنر تئاتر روشن می‌شود این است که هیچکس به فکر هنرهای نمایشی نیست و این تغییرات مدیریتی هم نمی‌تواند هیچ گره‌ای از گره‌های کور ایجاد شده در بخش‌های مختلف عرصه هنرهای نمایشی باز کند. گره‌هایی که آنقدر به آنها بی‌اعتنایی شده که اکنون دیگر حتی با ندانن هم باز نمی‌شوند.

حسین پارسایی در گفتگوی خود به آلمان‌ها و نکات ریزی اشاره کرده است که سالهاست گریبان هنر مظلوم سرزمین ما را گرفته و هر روز بر فشار خود بیشتر می‌افزاید. اگر با نگاه موشکافانه‌تری اظهارات آقای کارگردان را بررسی کنیم در می‌یابیم که راهکارهای ایشان هم نمی‌تواند در شرایط فعلی مشکلات عرصه نمایش‌های صحنه‌ای

راسل کرو در نقش راننده عصبانی دیده شد

راسل کرو که جدیدترین نقشش را در فیلم «فاطی کرده» یا «Unhinged» بازی کرده با نمایش اولین تریلر فیلم در این نقش دیده شد. او در این فیلم شخصیت راننده‌ای را ایفا می‌کند که ششمس از رانندگی را به سطح دیگری می‌رساند. کرو در این فیلم که به کارگردانی دریک بورت سازنده «روپاپاراز آمریکایی» ساخته شده در برابر کارن پیستوریوس که در نقش راشل بازی می‌کند، جلوی دوربین رفته و



راسل کرو در نقش راننده عصبانی در فیلم «فاطی کرده»

پریسا مقتدی بازیگر عرصه سینما و تلویزیون و مدیر تماشاخانه سنگلج در خصوص فعالیت‌های اخیرش در عرصه بازیگری گفت: به تازگی در سریال طنز «زیر همکف» به کارگردانی بهمن گوهرزی و تهیه‌کنندگی رضا جودی بازی کردام، پاییز سال گذشته تصویربرداری این اثر در تهران آغاز شده بود و هم‌اکنون آماده پخش است. مقتدی که پیش از این در سریال پرمخاطب «لیسانسه‌ها» به ایفای نقش پرداخته بود از فیلمبرداری فصل سوم آن با عنوان «فوق لیسانسه‌ها» خبر داد و افزود: هم‌اکنون مشغول بازی در سریال «فوق لیسانسه‌ها» به بهی‌سوئدیگی و کارگردانی سرورین صحت‌هستند و البته عمده بازی من در این سریال باقی‌مانده است. وی در همین راستا ادامه داد: این سریال در

usef.poet@gmail.com

فرهنگی

کتابفروشی در میان شما هستیم. امیدوارم که هر روز به تعداد کتاب فروشی‌ها اضافه شود. در گذشته هر کتابی که به دست‌مان می‌رسید آن را می‌خواندیم، اما امروزه با وجود گوشی‌های همراه مردم کمتر کتاب می‌خوانند و گوشی‌های‌شان حکم صندوق پس‌انداز را برایشان پیدا کرده چون از هر کتابی که نام می‌بری می‌گویند دارند. سریع آن را روی گوشی‌شان به‌ادم‌نشان می‌دهند، در حالی که وقتی درباره آن کتاب از آن‌ها می‌پرسی، می‌گویند آن را خوانده‌اند.

هم سالن‌هایی که برای اجرای این نمایش‌ها در کشورهای دیگر استفاده می‌شوند مانند سالن‌های نمایش‌های ما نیستند.

آیا اگر سالانه ۱۰۰۰ دانشجوی هنرهای نمایشی فارغ‌التحصیل می‌شوند و تنها ۱۰ درصد مشغول به کار در رشته خود می‌شوند و بقیه سراغ حرفه دیگری می‌روند باید مردم هزینه اش را پرداخت کنند؟

از سخنانی که حسین پارسایی بیان کرده می‌توان این نتیجه را استنباط کرد حال که کاری از دست ما بر نمی‌آید و دولت هم در زمینه حل مشکلات قدمی از قدم بر نمی‌دارد بهتر است بار تمام معضلات را بر سر روی دوش مردم‌انداخت چرا که بالاخره آنها مصرف‌کننده نهایی محصولی که ما تولید می‌کنیم، هستند. دست آخر هم اگر نمایشی که روی صحنه رفت به دلشان نجسیسد و حرفی برای گفتن نداشت و آنها احساس کردند که پولشان را دور ریخته‌اند باید این حقیقت را بپذیرند که بالاخره آنچه برایش هزینه کرده‌اند آش کشک خاله شان است.

نکته مهم و حائز اهمیت در اظهارات حسین پارسایی مسئله‌ای است که شاید بتوان مدعی شد که خود آقای کارگردان در به وجود آمدن آن نقش مهمی دارد. مسئله‌ای به نام دستمزد بازیگران چهره.

اگر کارنامه هنری حسین پارسایی را مطالعه کنید به نمایش‌هایی بر می‌خورید که اصطلاحا به آنها تئاتر فاخر (بخوانید لاکچری) می‌گویند. دیگر همه دنیا می‌دانند که یکی از آلمان‌های اصلی و مهم نمایش لاکچری، حضور بازیگران چهره است. بازیگرانی که حتما باید دستمزد زیادی به آنها داد تا بپذیرند که مثلا برای یک ماه هر شب به مدت یک

و نیم الی دو ساعت روی صحنه بروند. وقتی چنین اتفاقی رخ می‌دهد و نمایشی فاخر (لاچری) با شرایطی که عنوان شد روی صحنه می‌رود، اتفاقی که می‌افتد این است که مشکلی به مشکلات عدیده‌ای که تا کنون گریبان هنرهای نمایشی را گرفته بود افزوده می‌شود. مسئله به نام دستمزد چهره‌ها، موضوعی که اگر دیده‌های به نام تئاتر لاکچری با شمالیی که تاکنون از آن شناخته‌ایم، شکل نمی‌گرفت، به وجود نمی‌آمد. اگر قصد و نیت تهیه خوراک فرهنگی برای مردمی است که خود را هنرمند آنها می‌دانیم باید بپذیریم که با توجه به تورم بالایی که مدنهادست گریبان زندگی اجتماعی مردم را گرفته، می‌توان نمایش‌هایی را به هزینه‌های کمتر تولید کرد که ما برای همین چندان وارد نشود. اینکه نمایشی بر طمطراق را با هزینه‌های سرسام آوری که حسین پارسایی در طول گفتگوی خود به آنها اشاره کرده روی صحنه ببریم و چون دولت کمکی نمی‌کند انتظار داشته باشیم که همه هزینه تئاتری را که ما تصمیم گرفته ایم با انتخاب خودمان به خورد مردم دهیم آنها بپردازند انتظار درست و منطقی‌ای نیست. بی‌شک همه هنرمندان به این موضوع واقفند که رسالهت یک هنرمند تنها تولید یک اثر هنری نیست بلکه رسالتی فراتر در راه اعتلای زندگی فردی و اجتماعی مردم دارد؛ رسالتی که گویا توسط برخی از هنرمندان ندیده گرفته می‌شود تا آنها بتوانند مشکلات حوزه کاری خود را راحت‌تر تحمل کنند.

شوخی نکردن با مواد مخدر خط قرمز یک سریال

داریوش جهانگیری کارگردان سریال «در کنار هم» ۴ درباره برعهده گرفتن کارگردانی این اثر در فصل دوم بیان کرد: کارگردانی فصل اول برابر ماکسیموس گلادیا‌تور را در برابر این بوق بروز می‌دهد. تولیدفیلم که بر مبنای فیلمنامه‌ای به قلم کارل ال‌سورث نویسنده «چشم قرمز» ساخته شده، یکشنسبه در نیوراولتاز به پایان می‌رسد و فیلم قرار است در سه ماهه سوم سال ۲۰۲۰ طبق برنامه‌ریزی‌های قبلی روی پرده‌های تفرهای برود. استودیوی سازنده فیلم یعنی «سولستیس استودیوز» کارش را از اکتبر پیش شروع کرد. این کمپانی در جشنواره فیلم تورنتو برای خرید فیلم‌های جدید حضور خواهد داشت. به گزارش مهر به نقل از ورتی، گابریل بیتمن و جیمی سیمپسون دیگر بازیگران «فاطی کرده» هستند که درگیر یک سانحه رانندگی معمولی و هر روزی می‌شوند که به هولناک‌ترین سرنجام می‌رسد.



داریوش جهانگیری کارگردان سریال «در کنار هم»

حضور هومن برق‌نورد و امیرحسین رستمی داستان فضای طنز به خود گرفته است و این سریال را بیش از پیش برای مردم خوشایند کرده است. به گزارش میزان، مدیر تماشاخانه سنگلج در خصوص بزرگ‌ترین مشکل حوزه تئاتر تصریح کرد: مشکل‌های متفاوتی وجود دارد، اما مهم‌ترین مشکلی که بیشتر از موارد دیگر به چشم می‌آید مشکل اقتصادی است، البته که مسئله بودجه خصوص بازوردهای مردم در این حوزه تئاتر از آن جایی که چرخه اقتصادی تئاتر همیشه به نسبت سینما با مخاطبان زیادتری که دارد با مشکل روبرو است بیشتر خودش را نشان می‌دهد و همیشه گروه‌های نمایشی برای تولید تئاتر از نظر اقتصادی دچار مشکلات بیشتری هستند.



یکشنبه ۳ شهریور ۱۳۹۸ • شماره ۵۵۳۶

آفتاب

«از تفتان تا مکران، گستره زیبایی» در خانه هنرمندان

آفتاب یزد: نمایشگاه عکس «از تفتان تا مکران، گستره زیبایی» با نگاهی نو و مستند به استانها و بلوچستان جمعه یک شهریور در گالری بهار خانه هنرمندان ایران افتتاح شد. این نمایشگاه حاصل تلاش چهار هنرمند است که تعداد ۲۴ عکس را در گالری بهار به روی دیوار بردند. «از تفتان تا مکران، گستره زیبای» تا ۱۲ شهریور در گالری بهار خانه هنرمندان ایران میزبان علاقه‌مندان است.

هنرمندان

احتمال وجودیک سناریوی هزار صفحه‌ای منتسب به فروغ



فروغ فرخزاد، یک سناریو هزار صفحه‌ای برای اولین فیلم بلند خود نوشته بوده است. این خبر در ماهنامه سینمایی – کایه دوسینما– ویژه ژوئیه–اوت نوشته شده است. در این شماره از این ماهنامه معتبر سینمایی که به سینماگران زن در جهان پرداخته است مقالاتی هم به فروغ فرخزاد و فیلم خانه سیاه است پرداخته شده. نویسنده سپس به فیلم بلندی اشاره می‌کند که قرار بوده این شاعر و سینماگر آن را بسازد. یادداشت‌بررداری‌های بسیاری کرده بوده و ماجرای فیلم سرنوشت یک زن ایرانی را با مسایش بازگو می‌کرده است.

همچنین نویسنده اضافه می‌کند که فروغ گویا یک سناریوی هزار صفحه‌ای نیز در این رابطه داشته است اما بیش از این توضیح نمی‌دهد. این موضوع که می‌تواند بسیار مهم در تاریخ سینمای ایران قلمداد شود، هیچ‌گاه نه در زمان حیات این شاعر از آن سخنی به میان آمده بود و نه در این ۵۲ سالی که از مرگ فروغ می‌گذرد.

به گزارش سینماسینما، بارها افراد گوناگون، چه از نزدیکی و او چه کسانی که روی او تحقیق کرده‌اند و مطالب بسیاری درباره وی نوشته‌اند هیچ‌گاه در هیچ سندی راجع به نوشتن یک سناریو هزار صفحه‌ای از فروغ چیزی نوشته نشده بود. بنا به اطلاعات ما و داستان کوتاه یا رمان هم نوشته بود و بنابراین نوشتن یک سناریو هزار صفحه‌ای برای یک فیلم بلند سینمایی بسیار عجیب می‌آید. جالب خواهد بود محققان و نزدیکان فروغ مثل ابراهیم گلستان در این باره اطلاعاتی در اختیار علاقمندان این شاعر بزرگ قرار دهند.

کوتاه از هنر

«پسرکشی» به پایان رسید



فیلمبرداری فیلم سینمایی «پسرکشی» آخرین ساخته محمدهادی کریمی پس از ۵۲ جلسه در شهرهای تهران، کاشان و قزوین به پایان رسید، داستان این فیلم که بیست و چهارمین نوشته‌ای است که از این سینماگر ساخته می‌شود، در ۲ دهه ۴۰ و ۷۰ می‌گذرد. در «پسرکشی» که به زودی وارد مرحله تدوین می‌شود بازیگرانی چون ژاله صفاتی، آرمان درویش، بهاره کیان افشار، نسیم ادبی، فرخ نعمتی، گلوریاهااردی و... حضور دارند. به گزارش مهر، ششمین ساخته محمدهادی کریمی، داستانی معمایی و تپه‌کنندگی ابوالفضل صفری شد. قطعه که به خاطر یک باور غلط، دهه‌ها دچار کاری است از گروه خانواده شبکه دو سیما که این روزهای مراحل تصویربرداری خود را سپری می‌کند.

«مرفی» روی صحنه

تازه‌ترین اثر گروه تئاتر «اواسماتی» به نویسندگی سپیده ضیایی و کارگردانی نگین ضیایی از دوم تا هشتم شهریور نود و هشت در سالن امام خمینی نوشهر ساعت ۲۰ روی صحنه می‌رود. نمایش «مرفی» پیش از این در بیست و دومین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی ایران اجرا شده بود و در سه بخش طراحی صحنه، طراحی لباس و تیزر کانیدیاو موفق به دریافت تندیس و لوح تقدیر بهترین طراحی لباس از این جشنواره شده است.

مازیار فلاحی

«ترور خاموش» می‌خواند

مازیار فلاحی خواننده تیتراژ پایانی سریال «ترور خاموش» به کارگردانی احمد معظمی و تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری شد. قطعه «ترور خاموش» با شعر، موسیقی و صدای مازیار فلاحی با تنظیم افشین آرام ساخته شده است و به عنوان تیتراژ پایانی سریال روی آنتن خواهد رفت. به گزارش باشگاه خبرنگاران، موضوع سریال «ترور خاموش» به نویسندگی حسین تراب نژاد و هومان فاضل، امنیت نرم است و با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی تولید شده است. معضلات و ناهنجاری‌هایی که از جمله آن می‌توان به طلاق، مواد مخدر و حاشیه‌نشینی اشاره کرد.

نقد تئاتر

رستگاری

در شهر افسرده‌ها

• علیرضا لارک



مغازه خودکشی نوشته باقر سروش و به کارگردانی علیرضا مهران که برگرفته از رمان ژان تولی است، خانواده‌ای را نشان می‌دهد که به کسب و کار و فروش ابزار آلات خودکشی می‌پردازند. پدر و مادر به کسب و کار خود افتخار می‌کنند و پشتوانه ۳۰ سال تجربه در زمینه خودکشی را به دوش می‌کشند. آنها در مغازه خود به افرادی که قصد خودکشی دارند خدمات ارائه می‌دهند. این خانواده حتی به مشتریان خود مشاوره خودکشی هم می‌دهند و انواع و اقسام روش‌های مختلف برای پایان دادن به زندگی فلاکت‌بارشان را به آن‌ها پیشنهاد می‌کنند.شعار مغازه آنها این است که «آیا در زندگی شکست خوردید؟ لاقال در مرگ‌تان موفق باشید.» و هر کدام از اعضا خانواده نقشی در این مغازه دارند. پسر بزرگ خانواده که از افسردگی شدید رنج می‌برد مشغول اختراعات جدید است و کار را برای مردم راحت‌تر کند و مادر و پدر شددینا به او افتخار می‌کنند. دختر خانواده که مرلین نام دارد از افسردگی و ضعف خودبآوری رنج می‌برد و دوست دارد هر چه زودتر به سن قانونی رسیده و خودکشی کند. اما در میان این خانواده پسر کوچکی به نام آلن متفاوت نسبت به تمام مردم آن سرزمین فکر می‌کند. آلن بر خلاف جامعه خود، می‌خندد، بازی می‌کند و با رقص و آهنگ شاد است و تمام سعی او این است که این حس را نیز به دیگران منتقل کند. در اصل ماجرای نمایش بیشتر حول آلن می‌گردد. پدر و مادر از وجود این فرزند سرخورده هستند و او را باعث کاهش مشتریان و سرفاکنندگی خود می‌دانند. آنها آلن را که هم رنگ جماعت نشده است را مدام سرزنش می‌کنند و از جنب و جوش‌های کودکی برحذر می‌دارند.

مغازه خودکشی جامعه‌ای را نشان می‌دهد که انقدر ناامید و افسرده است که حتی بخت تیم ملی و امتحان نهایی باعث خودکشی آنها می‌شود. جامعه‌ای خالی از امید که تنها راه رستگاری خود را در خودکشی می‌بیند.این جامعه در یاس فرو رفته خنده و شادی و امید را برنمی‌تابد و علیه آن قیام می‌کند.

متن مغازه خودکشی یک فانتزی سیاه تکان‌دهنده است که با دكور مناسب، فیلم‌های قابل توجه و بازی‌های روان توانست مقصود خود را به تماشاگر القا کند. وحید آقاپور که نقش پدر خانواده را بر صحنه برده، به خوبی نشان دهنده نسلی است که بر سنت‌های خود پافشاری می‌کند و شکسته شدن خطوط قرمز توسط آن را سرزنش می‌کند. اتفاقی که در جامعه کنونی ما به خوبی دیده می‌شود و شکاف نسل‌ها در آن دیده می‌شود. از طرفی در داستان، دختری به نام مرلین وجود دارد که نشان دهنده دو چهره متفاوت است، نقش مرلین را سحر مختارزادگان بر عهده داشت و به خوبی توانست دو چهره متفاوت خود را ارائه دهد.مرلین در ابتدای نمایش چهره‌ای از الهه مرگ بود، کسی که در زمان تولد ۱۸ سالگی‌اش توسط پدر سعی به اترتریق شد تا با بوسه‌های خود مرگ را به مردم تقدیم کند، اما با حضور معلمی که عاشقش بود چهره دیگری نمایان شد و از الهه مرگ به الهه عشق تغییر مسیر داد. او دیگر حاضر نبود تا مرگ را تقدیم عزیزترین شخصی که می‌شناسد کند. آلن نیز در این میان مثل همیشه یاری‌رسان او بود، زمانی که سم داخل سرنگ را با ۳۷ میلی لیتر گل‌گلوکز عوض کرد تا به جای آنکه براق دهان مرلین سمی شود، شیرینی عشق در آن جاری شود.

مغازه خودکشی به مخاطب خود نشان داد که با کوچکترین اتفاقات مثبت می‌توان شاد بود. این تئاتر به مخاطب خود فهماند که هر کسی باید از خود شروع کند. وقتی تک تک افراد جامعه امید به زندگی داشته باشند و از کوچکترین لحظات زندگی خود لذت ببرند دیگر افسردگی و ناامیدی در آن جای نخواهد داشت. راهی که آلن به همه خانواده خود نشان داد همین موضوع بود. آلن حتی بعد از رفتن به موناکو و دور بودن از خانواده عشق خود را دریغ نکرد و با نامه‌های خود که بیشتر حاوی جوک‌های خنده‌دار بود در پی تغییر فضای خانواده خود بود.

اما در خصوص مغازه خودکشی می‌توان گفت که پایانش بر آغازش برتری داشت. جایی که پدر همچنان با پافشاری بر سنت‌های خود در پی کسستن آلن می‌رود. این بخش از نمایش سربرهنهایی را به مخاطب وارد می‌کرد. آلن از پنجره به بیرون پرتاب می‌شود مرلین و پدری که می‌خواست او بمیرد به کمکش می‌آیند، اما آلن آگاهانه و با خنده‌ای از رضایت طناب را رها کرده و به زندگی خود پایان می‌دهد؛ پایانی که نشان از رستگاری آلن دارد. او بخاطر تغییر جامعه خود و روشن کردن نور امید در جامعه راضی بود و به مانند یک فرشته که ماموریت خود را پایان یافته تلقی می‌کند به مرگ می‌رسد تا یادش همواره در ذهن همه به عنوان چهره‌ای امید بخش و اهدا کننده زندگی دیده شود.

پایان تئاتر مغازه خودکشی رستگاری در شهری را نشان می‌دهد که دیگر به خودکشی فکر نمی‌کنند و در هر چیز کوچکی حتی از عنکبوت سمی لذت می‌برند.